

باید گفت ضرورتاً این‌گونه نیست. مقوله عدالت و جمهوریت یک مقوله انسانی است، مقوله‌ای که همگان از آن درکی دارند؛ بنابراین عدالت یک مقوله پیشاشرعی است. ما حتی در مورد خداوند نیز وقتی از عدالت صحبت می‌کنیم، می‌گوییم خداوند خودش را به عدالت مقید کرده است و عدل را مقوله‌ای پیشاشرعی تلقی می‌کند. حضرت امیرالمؤمنین (ع) تعبیری دارند: «فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَّاصُفِ، وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَّاصُفِ»، حقیقت آن چیزی است که در وصف، وسیع است ولی در انصاف و رزی (یا همان عدالت) خیلی‌ها برای نوع رفتارشان مدعی هستند. همگان عدالت را می‌پسندند و همگان عدالت را مقوله‌ای مطلوب تلقی می‌کنند، حسن عدالت به تعبیری مستقل بالذات است؛ لذا نمی‌توان گفت که مقوله‌ای شرعی یا دینی است. همچنان که بحث آزادی‌ها، بحث اختیار داشتن انسان نسبت به سرنوشت خودش را هم تعابیر دینی ما و هم تعابیر فطری و بشری اقتضا می‌کند. تعابیر دینی ما می‌گوید که «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعْزِزُ مَا يَقُومُ حَتَّى يُعْتَرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». از آن طرف نیز در مباحث غربی از آن به آزادی‌هایی اصیل و به عبارتی خودبنیاد تعبیر می‌کنند. مقوله جمهوریت که ذیل آزادی‌ها، حق انتخاب و حق تعیین سرنوشت از آن یاد می‌شود هم در منطق غرب و هم در منطق اسلام وجود دارد. عدالت نیز در منطق اسلام و هم در منطق غرب وجود دارد؛ اما مهم این است که مراد از عدالت چیست؟ خاستگاه عدالت کجاست؟ چون عدالت، بحث بسیار مفصلی دارد، عدالت را به مساوات معنا کرده‌اند، به تناسب و قرار گرفتن هر چیزی در جایگاه خودش معنا کرده‌اند، به اعتدال معنا کرده‌اند و هر کدام از این‌ها می‌تواند به تفاوت و تمایز منجر شود.

با وجود اینکه اصل عدالت خواهی و اصل آزادی خواهی (مشارکت مردمی در حوزه اختیارات زندگی خودشان است) از موارد مورد اتفاق در جهان معاصر و حتی گذشته است اما نوع نگاه به آن‌ها متفاوت است. به عبارت دیگر، تلقی واحدی از عدالت وجود ندارد. عدالتی که در غرب از آن یاد می‌شود (البته غرب تأکید جدی بر عدالت ندارد برخلاف سوسیالیست که داعیه عدالت دارد) و داعیه آن را دارد این است که به هر حال محرومان هم به نوبی برسند یا در حوزه سیاست رأی همگان بالتساوی لحاظ شود، همه در برابر قانون برابر و از رأی مساوی برخوردار باشند. در فقه شیعه طبیعتاً از یک سو باید ملاک و مرادش را از عدالت معنا کند یعنی از یک جهت خاستگاهش با خاستگاه غربی و شرقی متمایز شود. نکته دوم این است که عدالت در عرصه‌های مختلفی که در فقه ما

